

جایگاه ژاپن و چین در همگرایی شرق آسیا

Lim Hua Sing, *Japan and China in East Asian Integration*. Singapore: ISAS, 2008, 370. pp.

این کتاب توسط آقای لیم هوا سینگ، استاد مؤسسه مطالعات آسیا پاسیفیک و موسسه عالی مطالعات آسیا پاسیفیک در دانشگاه واسدا در ژاپن نوشته شده و تا کنون ۵ بار اصلاح، تکمیل و تجدید چاپ شده است. اولین نسخه آن در سال ۱۹۹۵ به چاپ رسید و پس از آن در سالهای ۱۹۹۹، ۲۰۰۰، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۸ تجدید چاپ شده است. نسخه ۲۰۰۸، نسخه اصلاح و تکمیل شده کتاب «نقش ژاپن در شرق آسیا: توسعه متقابل یا رقابت خشن» است که در سال ۲۰۰۳ توسط انتشارات دانشگاههای شرقی در سنگاپور منتشر شد. نسخه اخیر توسط موسسه مطالعات جنوب شرق آسیا در سنگاپور به چاپ رسیده است.

این نسخه در هشت بخش و هجده فصل تنظیم شده است. بخش اول تا ششم بیشتر به روابط ژاپن با کشورهای مختلف آسیایی از جمله مالزی، سنگاپور، و اعضای آسه آن و همچنین عملکرد اقتصادی ژاپن اختصاص دارد. بخشهای هفتم و هشتم که رویهم هفت فصل را شامل می شود به جایگاه چین و ژاپن در شرق آسیا اختصاص یافته است. بخش هشتم که در نسخه ۲۰۰۸ افزوده شده، ۹ مقاله را در بر می گیرد. این مقالات به طور مشخص تحولات اقتصادی جدید در شرق آسیا بویژه تحولات هند، چین و ژاپن را مورد بحث قرار می دهد. نهایتاً تحلیل کلی از وضعیت همگرایی در شرق آسیا، بویژه تحولات سالهای اخیر ارائه شده است. با توجه به اهمیت موضوع در ذیل خلاصه ای از این تحولات آورده شده است.

پس از بحران اقتصادی ۱۹۹۷ آسیا اکثر اقتصادهای آسیب دیده در این منطقه توانستند به شکل معجزه آسایی از این بحران نجات یابند و آسیا به عنوان یک منطقه اقتصادی پویا مجدداً مورد توجه قرار گرفته است. در این مدت، همکاری و همگرایی

اقتصادی در منطقه از طریق انعقاد موافقتنامه‌های تجارت آزاد گسترش یافته است. اقتصادهای تازه‌صنعتی شده به همراه چین و هند از توسعه اقتصادی پایدار و امیدوارکننده‌ای برخوردار بوده‌اند. هر چند برخی کشورهای منطقه از جمله تایلند، میانمار و تا حدی اندونزی و فیلیپین با یک رشته بی‌ثباتی‌های اجتماعی مواجه شدند اما این مشکلات مانع از حرکت آسیا به سمت توسعه اقتصادی بیشتر نشد و آسیا بار دیگر به مرکز ثقل توسعه اقتصادی در جهان تبدیل شده است.

در این منطقه، ژاپن یک جامعه ضابطه‌مند و سیستماتیک و انعطاف‌ناپذیر است. ژاپنی‌ها هنگام پرداختن به تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، دستیابی به نتایج کامل و درازمدت را ترجیح می‌دهند. این یکی از دلایلی است که موجب می‌شود اصلاحات ساختاری در ژاپن به درازا بیانجامد. ژاپن طی ۱۶ سال گذشته اصلاحات سیاسی، اقتصادی، صنعتی و اجتماعی متعددی را انجام داده لیکن هنوز از مشکلات ترکیب اقتصاد حبایی اوایل دهه ۹۰ رهایی نیافته اما پایه‌های اقتصادی این کشور سالم بوده و بدتر نشده است. در درازمدت به دلیل مشکل کهولت و کاهش جمعیت، عدم تمایل نسبت به پذیرش متخصصین خارجی، کسری مالی شدید، بازار کشاورزی و ماهیگیری بسته، یا ژاپن از بقیه آسیا کنار گذاشته می‌شود و یا سبب می‌گردد تا این کشور بدون محتوی رشد کند.

چین طی ۲۹ سال گذشته به طور مداوم و با ثبات رشد کرده و به یک قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. طی دهه آینده چین احتمالاً به یک قدرت بزرگ در کنار آمریکا تبدیل می‌شود. اما این کشور نیز با مشکلاتی مواجه است از قبیل آلودگی محیط زیست، شکاف درآمدها، فساد، توسعه نامتوازن مناطق مرکزی و ساحلی. ولی این مشکلات به تدریج با دستیابی به توسعه بیشتر حل خواهد شد و دولت این کشور نیاز سیاست‌های جدی برای رسیدگی به آنها را در پیش گرفته است.

چین از نظر نسبت توسعه اقتصادی به تولید ناخالص داخلی حدود چهل سال از ژاپن عقب است. اما سرعت رشد اقتصادی چین بسیار بیش از ژاپن است و لذا با سرعت بیشتری می‌تواند به ژاپن و ملتهای اروپای غربی برسد. در سال ۲۰۰۶ حجم ذخایر ارزی چین به یک تریلیون و ۶۶ میلیارد دلار (رتبه اول در جهان) رسید. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، مازاد تجاری، همراه با سرازیر شدن پول‌های داغ به این

کشور که منتظر تقویت پول چین هستند به شکل‌گیری سرمایه در چین کمک کرده است. انباشت سریع سرمایه و پس‌انداز در بانک‌ها و خزانه داری چین، دولت این کشور را نگران چگونگی استفاده از آنها در راستای دستیابی به اهداف توسعه کرده است. برخی از اقداماتی که دولت چین می‌تواند به عمل آورد عبارتند از: افزایش بودجه توسعه اجتماعی و صنعتی، افزایش کمک و سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش آموزش، کمک به تقویت صنایع کوچک و متوسط، و بهبود سیستم رفاهی. این اقدامات سبب می‌شود تا چین سطح اقتصادی و موقعیت بین‌المللی خود را ارتقاء بخشد. چین در کنار ژاپن می‌تواند نقش بزرگتری در همکاری و همگرایی اقتصادی آسیایی بپذیرد.

چین، مالزی و تا حدی کره از طرفداران گروه‌بندی آسه‌آن با اضافه ۳ در مسیر همگرایی آسیایی بودند. از طرف دیگر، ژاپن از حامیان جدی آسه‌آن+۳+۳ یا حتی آسه‌آن+۳+۳+۱ بود. زمانی که مهاتیر مفهوم جامعه اقتصادی شرق آسیا را در سال ۱۹۹۰ مطرح کرد، کشورهای پیشنهادی وی اعضای آسه‌آن با اضافه ۳ را در بر می‌گرفت که این گروه بندی آمریکا و استرالیا را در بر نمی‌گرفت اما در آن زمان از هند نامی برده نشد. در دسامبر ۲۰۰۵ نهایتاً اولین نشست سران شرق آسیا در مالزی با مفهوم آسه‌آن+۳+۳ موافقت کرد. روسیه نیز با توجه به اینکه یک قدرت بزرگ آسیا-پاسیفیک است و همچنین به دلیل منابع انرژی آن به این نشست دعوت شد. در حال حاضر روند همگرایی در شرق آسیا به سمت آسه‌آن+۳+۳ در حرکت است و احتمالاً در نشستهای آتی، مسئله عضویت پاکستان و بنگلادش نیز مورد بحث واقع خواهد شد. دومین نشست سران شرق آسیا در سال ۲۰۰۷ در فیلیپین برگزار شد. نشست آسه‌آن+۳ درست یک روز قبل از نشست سران آسه‌آن+۳+۳ برگزار گردید.

از ابتدا آمریکا از جامعه اقتصادی شرق آسیا کنار گذاشته شد و به همین خاطر آمریکا در ۱۷ سال گذشته نگران روند همگرایی و همکاری اقتصادی در شرق آسیا بوده است. بر خلاف چین، ژاپن و هند که موافقت نامه تجارت آزاد با آسه‌آن به عنوان یک گروه امضا کرده اند، آمریکا هنوز با آسه‌آن چنین موافقت نامه ای به امضا نرسانده و همکاری اقتصاد رسمی با منطقه آسیا پاسیفیک به عنوان یک گروه ندارد. طرح ایده موافقتنامه تجارت آزاد آسیا پاسیفیک توسط بوش در نوامبر ۲۰۰۶ در نشست ویتنام

نشانگر نگرانی درازمدت آمریکا است. همگرایی و همکاری اقتصادی در شرق آسیا پیچیده شده است.

از نکات مهم کتاب تأکید آن بر پیمودن راه همکاری و همگرایی اقتصادی توسط کشورهای آسیایی با وجود داشتن اختلافات جدی سیاسی است. «علیرغم، اختلافات ارضی و مرزی، در حال حاضر همکاری چندجانبه در شرق آسیا به ارتقای گفتگوی سیاسی و اتحاد اقتصادی کمک می‌کند. اختلافات سرزمینی مثل اختلاف بر سر جزایر دیاویوتاری یا سنکاکو، جزایر پارسل، جزایر اسپراتلی و اختلافات ارضی در شبه جزیره کره که بالقوه می‌توانند به رویارویی نظامی بیانجامند، از طریق گفتگوهای دیپلماتیک متوقف و آرام شده است» «...همکاری اقتصادی شرق آسیا شامل تأسیس منطقه اقتصادی تومنجانگ، منطقه اقتصادی دریای ژاپن، منطقه اقتصادی جنوب چین می‌گردد. سال‌ها است که این مناطق اقتصادی در حال توسعه اند اما به جز منطقه اقتصادی جنوب چین شامل تایوان، هنگ‌کنگ و ماکائو، بقیه پیشرفت قابل توجهی نداشته‌اند. در عین حال مفهوم اتحادیه اقتصادی آسیایی به سرعت در سراسر آسیا رو به گسترش است». ص ۳۴۷.

«همکاری اقتصادی چندجانبه در شرق آسیا به‌طور مشخص بر حرکت به سمت مفهوم همگرایی اقتصادی آسیایی متمرکز شده است. فعالیت‌هایی از قبیل انعقاد موافقت‌نامه تجارت آزاد و تفاهم‌نامه مشارکت اقتصادی مفهوم آسیایی همگرایی اقتصادی را نشان می‌دهد. موافقت‌نامه‌های چافتا (منطقه تجارت آزاد چین-آسه‌آن)، جافتا (منطقه تجارت آزاد ژاپن-آسه‌آن)، کافتا (منطقه تجارت آزاد کره-آسه‌آن)، هافتا (منطقه تجارت آزاد هند-آسه‌آن) و جامعه اقتصادی شرق آسیا نشانگر این مفهوم اند» ص ۳۴۷-۳۴۸.

این کتاب شامل مجموع مقالات و مباحثی است که طی بیش از یک دهه در مورد شرق آسیا به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در هر چاپ، بخش‌هایی را به بخش‌های قبل افزوده است. با توجه به تجارب طولانی نویسنده در مطالعات شرق آسیا و دو دهه پیگیری این تحولات، مطالعه این کتاب به علاقمندان مباحث شرق آسیا توصیه می‌گردد.

نبی سنبلی - مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه